

عامل قتل های عنکبوتی مشهد که بود؟

روزنامه خراسان با خبرنگار پیشکسوتی که خبر پرونده سعید حنایی مشهور به عامل قتل های عنکبوتی را منتشر کرد، مصاحبه ای انجام داده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، بخشی از اظهارات سید خلیل سجادیپور را می خوانید:

* اولین قربانیان، «سعید حنایی» که اجساد آنان در جاده فرعی و مزرعه گوجه فرنگی منطقه خین عرب در حاشیه شهر کشف شد روز چهارشنبه دوازدهم مرداد ۱۳۷۹ درج شد اما یکی از آن اجساد درون تکه ای موکت قرار داشت و در دیگری «چادر سیاه» به دور جسد پیچیده شده بود. هرکدام نیز در یک محله افتاده بود.

* حتی زمانی که سومین جنایت نیز رخ داد هیچ کس به موضوع مشکوک نشد چرا که این بار قاتل جسد را درون ۴ کیسه گونی زرد رنگ گذاشته و آن را در خیابان بزرگمهر (مرفه نشین ترین منطقه مشهد) و آن هم در روز روشن (ساعت ۳ بعد از ظهر) رها کرده بود.

* فرضیه دیگری هم نیز که تا آن زمان قتل های زنان را کم اهمیت جلوه می داد سوابق اعتیاد و روابط نامشروع مقتولان بود که دو جسد در حاشیه شهر رها شده بود و این فرضیه قوت می گرفت که در پاتوق های مواد مخدر درگیر شده باشند یا به دلیل تزریق هروئین و سوء مصرف موادجان خود را از دست داده اند که اهالی پاتوق یا صاحبان منازل به دلیل ترس از دستگیری، اجساد را در حاشیه شهر انداخته اند.

* پس از آن که اولین اخبار کشف اجساد، درج شد تا چند ماه بعد هیچ حادثه مشابهی رخ نداد و پرونده آن ۳ قتل هم که توسط ۳ قاضی به طور جداگانه در حال رسیدگی بود به فراموشی رسانه ای رسید تا جایی که قاضی رای دادگاه را نیز درباره قتل اول صادر کرد و طبق این رای دیه مقتوله باید از بیت المال پرداخت می شد اما پرونده تا زمان شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان این جنایت مفتوح بود.

* مرحله دیگر از دی سال ۷۹ دوباره شکل گرفت و تا روزهای آخر اسفند ادامه یافت البته در این میان اجساد مشابهی نیز در حاشیه شهر کشف شد که بعد از دستگیری عاملان آن مشخص شد جزو قتل های عنکبوتی نبود

* در دوره دوم قتل ها که گویی پس از چند ماه تردید یا برنامه خاص عاملان جنایت ها آغاز شده بود حدود ۵ قتل دیگر اتفاق افتاد و بدین ترتیب پلیس و دستگاه قضایی مقابل قتل هایی پیچیده قرار گرفتند که هیچ کس و به هیچ وجه تصور نمی کرد این جنایت ها را یک نفر انجام بدهد. همه مسئولان و کارآگاهان متفق القول بودند که با یک باند مخوف طرف هستند یا در پس این جنایت ها ماجرای مانند قتل های زنجیره ای وزارت اطلاعات نهفته است یا افراد ذی نفوذ و صاحب قدرت و موقعیت اجتماعی دست به چنین اعمالی می زنند.

* دوره سوم این قتل ها نیز از فروردین تا اوایل مرداد سال ۸۰ رقم خورد که دیگر جو وحشتناکی در شهر ایجاد شده بود و مصاحبه ها و تحلیل های گوناگون رسانه ها، مدیران، نمایندگان مجلس و افراد مشهور فشار عجیبی را به نیروی انتظامی و دستگاه قضایی وارد کرده بود. ماجرای قتل زنان خیابانی، دهان به دهان می چرخید و این گونه زن ها با ترس و وحشت از خانه بیرون می آمدند.

* تا وقوع ششمین قتل هنوز سربالی بودن آن هم جدی گرفته نمی شد. در تعطیلات نوروز سال ۸۰، ۱۵ قتل عمدی در مشهد رخ داد که ۳ قتل به شیوه و شکل قتل های زنان خیابانی بود این ۳ جسد در آخرین روزهای تعطیلات یعنی ۱۲، ۱۴ و ۱۵ فروردین در حالی کشف شدند که روزهای تعطیل تاسوعا و عاشورا نیز سپری شده بود .

* روزنامه های تهران بعد از انتشار یازدهمین قتل در روزنامه خراسان متوجه ماجرا شدند که با درج دوازدهمین قتل در بولوار خیام به طور خیلی جدی این اخبار را دنبال کردند و به این دلیل هم از هجدهم فروردین به بعد، جو کشور تحت تاثیر اخبار قتل های عنکبوتی مشهد قرار گرفت تا جایی که حتی در شورای عالی امنیت ملی کشور هم ستاد ویژه تشکیل شد.

* «حنایی» فردی بسیار پرخاشگر و ماجراجو بود که با انگیزه انتقام از رانندگان مسافرکش وارد این ماجرا شد. پرخاشگری های او به حدی بود که حتی سابقه کیفری به جرم «نزاع» داشت و همین موضوع نیروی انتظامی را زیر تبغ انتقادات بی رحمانه قرار داد که چرا دستگیری فردی سابقه دار یک سال طول کشیده است.

* عامل «قتل های عنکبوتی» بعد از دستگیری گفت: وقتی همسرم با تاخیر زیاد به خانه بازگشت عصبانی شدم و از او درباره علت تاخیرش پرسیدم که او از ماجرای تعرض یک راننده مسافرکش پرده برداشت! به همین دلیل او ابتدا به کلانتری رفته و از یک راننده ناشناس پیکان شکایت کرده بود اما چون هیچ دلیل محکم و مستندی نداشت و از سوی دیگر هم نتوانست مشخصاتی از راننده متعرض به پلیس ارائه دهد، این پرونده جدی نگرفته نشد.

* حنایی هم که زنش مورد تعرض قرار گرفته بود و بسیار عصبانی و آشفته بود ساعتی بعد از دستگیری گفت، ابتدا تصمیم گرفتم تا رانندگان مسافرکش

را به قتل برسانم ولی بعد از مدتی از این تصمیم منصرف شدم چرا که با خود فکر می کرد م چند تا از این راننده ها را باید بکشم! تعداد آن ها خیلی زیاد است. این بود که تصمیم خود را به قتل زنان خیابانی تغییر دادم تا با کشتن آن ها انتقام جویی کنم! حنایی معتقد بود اگر این زن ها در حاشیه خیابان ها جولان ندهند، رانندگان هم به هر زن مسافر به چشم زن بدکاره نگاه نمی کنند! این بود که فقط برای «انتقام» آدمکشی به راه انداخت.

*از سوی دیگر هم حنایی آغاز مرحله دوم قتل ها در زمستان سال ۸۰ را نیز فقط به دلیل خود بزرگ بینی و خودنمایی عنوان کرد و گفت: وقتی می دیدم دیگران و مردم به قتل این زن ها توجه زیادی دارند من هم ترغیب شدم تا دوباره کشتن این زن ها را شروع کنم چرا که بعد از قتل ۳ زن دچار تردید بودم.

*او در یکی از جلسات دادگاه سخن عجیبی را بر زبان راند و در آخرین دفاعیات خود گفت: «هر وقت زن فاسدی را می دیدم جنون آبی به من دست می داد و تنها زمانی که او را می کشتم آرام می گرفتم در این حال کشتن ۱۶ زن خیابانی برای من به راحتی کشتن ۱۶ سوسک بود!».

* حنایی طبق مستندات پزشکی قانونی، دارای شخصیتی ضد اجتماعی، پرخاشگر و بدون عاطفه بود و نمی توان به او نسبت جنون داد. البته پزشک قانونی در دادگاه به دو بار فرار او از بیمارستان روان پزشکی هم اشاره کرد و گفت: «حنایی» در سال های ۵۹ و ۶۱ در بیمارستان ابن سینا بستری شده که هر دو بار نیز از آن جا فرار کرده است و در برگه پذیرش بیمار تاکید شده که «او فردی مهاجم و پرخاشگر می باشد که مدت کوتاهی تحت درمان بود!»

*ماجرای دیگری که حنایی را به سوی انتقامی هولناک کشاند این بود که او با جعل کارت بسیج، بعد از حادثه تعرض به همسرش، شماره پلاک خودروهایی که زنان خیابانی را سوار می کردند در یک فهرست یادداشت می کرد یا خودش برخی دختران و پسران را به کلانتری تحویل می داد که مجازات شوند ولی وقتی می دید آن ها زودتر از خودش از کلانتری بیرون می آمدند، بسیار عصبانی می شد و احساس حقارت می کرد که این موضوع نیز یکی از دلایل اقدام به انتقام جویی بود. او حتی کارت امر به معروف و نهی از منکر را هم طبق ادعاهای خودش در جلسه علنی دادگاه جعل کرده بود تا با استفاده از آن مانع کار رانندگان مسافرکش شود. به همین دلیل فردی پرخاشگر، ضد اجتماعی و ماجراجو وارد حوادث هولناک «انتقام» شده بود.